

“Ontology of cultural project”, tissue-like configuration

Aliakbar Baghaie, Ph.D. candidate in Cultural management and planning, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. aa.baghaie@gmail.com

Abbasali Ghayoumi, Associate Professor of Cultural management and planning, Department of Cultural management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ghayyoomi@gmail.com (Corresponding author)

Sayedreza Salehiamiri, Associate Professor of Cultural management and planning, Department of Cultural management, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. dr.salehiamiri@gmail.com

Abstract

Among various phenomena, culture and its belongings, including cultural products and practices, are among the things that are not considered as important as the extent and intensity of their influence. The proof of this claim is the lack, and in fact, the absence of models and guidelines for the design of cultural actions and products. Since the design of methodologies, methods, techniques and tools supporting the design of cultural actions is deeply dependent on ontological studies, the aim of this research was to produce a coherent structure to introduce the elements of the cultural project from the ontological dimension with a network approach. This research was based on the research approach of qualitative content analysis by adopting the strategy of analysis and synthesis. In the implementation of this strategy, for the stage of data collection from the library method and systematic review, for the stage of data analysis and synthesis, from the meta-synthesis method, for the implementation of the meta-synthesis method, from the model of Sandelowski and Barroso, for the implementation of this model from the coding technique and for the implementation of this The technique of MAXQDA software tool is used. Among the reviewed models, methods and methodologies, in total, 10 options were chosen to perform meta-synthesis. This research believes that the cultural project is not completed by the action of the performer, but its completion depends on the action of the audience. The configuration of this view using the metaphor of tissue is such that cultural project are like interweaving threads of beneficence into threads of exploitation and finally what is achieved is a cultural project as a coherent weave. Beneficence threads and exploitation threads are based on the five aspects defined for each move, including five threads “Drive”, “Agent”, “Accessory”, “Act” and “Terminal”.

Key words

Ontology; Cultural Operations; Cultural Project; Meta-Synthesis; Systematic Approach.



«هستی‌شناسی عملیات فرهنگی»، صورت‌بندی بافتواره

علی اکبر بقایی^۱، عباسعلی قیومی^۲، سیدرضا صالحی امیری^۳

چکیده

در میان پدیده‌های مختلف، فرهنگ و متعلقات آن، از جمله محصولات و اقدامات فرهنگی، از اموری است که به اندازه وسعت و شدت تأثیری که دارد، مهم تلقی نمی‌شود. گواه این مدعا، کمبود و در واقع، نبود مدل‌ها و راهنماهای طراحی اقدامات و محصولات فرهنگی است. از آنجاکه طراحی روش‌شناسی‌ها، روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزارهای پشتیبان طراحی اقدامات فرهنگی، عمیقاً وابسته به مطالعات هستی‌شناسانه است، هدف این پژوهش، تولید ساختاری منسجم برای معرفی ارکان عملیات فرهنگی از بُعد هستی‌شناسی با رویکرد شبکه‌ای تعریف گردید. این پژوهش، مبتنی بر رویکرد پژوهشی تحلیل محتوای کیفی با اتخاذ استراتژی تجزیه و ترکیب انجام گردید. در عملیاتی نمودن این استراتژی، برای مرحله گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند، برای مرحله تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها، از روش فراترکیب، برای اجرای روش فراترکیب، از الگوی سندلوسکی و باروسو، برای طی پیاده‌سازی این الگو از تکنیک کدگذاری و برای پیاده‌سازی این تکنیک از ابزار نرم‌افزاری مکس کیودی‌ای استفاده شده است. از بین مدل‌ها، روش‌ها و روش‌شناسی‌های بررسی‌شده، در مجموع، ۱۰ گزینه برای انجام فراترکیب برگزیده شد. این پژوهش قائل است عملیات فرهنگی، صرفاً با اقدام سمت معجری به فرجام نمی‌رسد، بلکه تکمیل آن متوقف بر اقدام سمت مخاطب است. صورت‌بندی این نگاه با استفاده از استعاره نسج و بافت بدین گونه بیان می‌شود که هر عملیات فرهنگی، مانند تئیدن رشته‌تارهای بهره‌سازی در رشته‌پوده‌های بهره‌برداری است و در نهایت آنچه حاصل می‌شود، عملیات فرهنگی به‌مثابه بافته‌ای منسجم است. رشته‌تارهای بهره‌رسانی و رشته‌پوده‌های بهره‌برداری مبتنی بر پنج وجه تعریف‌شده برای هر حرکت، شامل پنج رشته «رانه»، «عامل»، «کارمایه»، «عمل» و «پایانه» است.

واژگان کلیدی

هستی‌شناسی؛ عملیات فرهنگی؛ پروژه فرهنگی؛ فراترکیب؛ رویکرد سیستمی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۶

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. aa.baghaie@gmail.com

۲. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ghaiyoomi@gmail.com

۳. دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. dr.salehiamiri@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

به جرئت می‌توان گفت: انقلاب گفتمانی و فرهنگی یا انقلاب در جان و عواطف و نگاه مردم، مهم‌ترین شعار انقلاب اسلامی و شفاف‌ترین وظیفه نهادهای فرهنگی حاکمیتی است. این امر همراه با عطش، دغدغه، تلاش و پویایی مردم در برپایی مناسک اجتماعی و تعدد و تنوع مناسبت‌های ملی، مذهبی و انقلابی، حجم گسترده‌ای از رخدادهای فرهنگی را در کشور به جریان انداخته است. به دلیل گستردگی و پراکندگی مویرگی رخدادهای فرهنگی در سطوح حاکمیتی و مردمی و در لایه‌های فردی، خانوادگی، محلی، جمع‌های غیررسمی و ثبت‌نشده و نیز سازمان‌های رسمی غیرفرهنگی، برشمردن دقیق حجم اقدامات فرهنگی کشور، ممکن نیست. طبیعتاً برای این حجم از رویداد، بودجه‌های چشمگیری هزینه می‌شود. به همان دلیل که برآورد حجم رویدادها ممکن نیست، رقم کل بودجه هم به‌طور دقیق برشمردنی نیست. البته سرشماری دقیق تعداد و بودجه اقدامات فرهنگی، امری ضروری و حیاتی نیست و صرف اطلاع از یک رقم نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشد. همین‌که این بودجه صریح، همراه با بودجه ضمنی مکمل آن را حتی اگر ناکافی باشد، قابل اعتناء و مؤثر بدانیم، برای دقت مضاعف در سیاست‌گذاری‌ها کافی است. به هر تقدیر، حیات فرهنگی کشور در نسبت جدی با رویدادهای فرهنگی است. لیکن متأسفانه نمی‌توان ادعا کرد که از ظرفیت رویدادهای فرهنگی به‌طور بهینه بهره‌برداری می‌شود و بهره‌وری این اقدامات در سطح مطلوب قرار دارد. این ضعف و نقصان بهره‌وری، از علل مختلفی نشئت می‌گیرد که بی‌شک یکی از آن‌ها، نقص در نظام‌مندی فرایندهای طراحی و اجرای اقدامات فرهنگی است. برای این نقص و ضعف، حداقل چهار ریشه را می‌توان برشمرد:

۱. کمبود مدل‌های پشتیبان طراحی اقدامات فرهنگی؛

۲. ضعف ساختاری مدل‌های پشتیبان موجود؛

۳. ضعف در انتخاب و ابتنا بر مدل‌های معتبر و مجرب؛

۴. ضعف در پیاده‌سازی مدل‌های پشتیبان.

پژوهشگر، مبتنی بر مطالعات و تجربیات میدانی خود، مدل‌های متقن و منسجمی که کنشگران فرهنگی با ابتناء بر آن مدل‌ها، فرایندهای طراحی و پیاده‌سازی اقدامات فرهنگی را دنبال کنند، مشاهده نکرده است. لذا از منظر پژوهشگر، در بین چهار ریشه ذکرشده، کمبود مدل‌های پشتیبان طراحی اقدامات فرهنگی و ضعف ساختاری مدل‌های موجود، دو علتی است که در واقعیت عرصه فرهنگ تعیین‌کننده‌تر است. لذا ضروری

است برای حل معتبر این نقص و خلأ، تلاش‌های پژوهشی جدی‌ای در زمینه طراحی مدل‌های کاربردی برای عملیات فرهنگی انجام گیرد. از آنجا که صحت فرایند طراحی و ساختاردهی هر مدل کاربردی، عمیقاً وابسته به واکاوی ابعاد وجودی پدیده مدنظر است، برطرف نمودن ضعف و نقص مذکور، متوقف بر پژوهش‌های هستی‌کاوانه عملیات فرهنگی است. به عبارتی، پیش‌نیاز تولید مدل‌های کاربردی طراحی عملیات فرهنگی، پردازش‌های بنیادین و تأمل در الهیات و هستی‌شناسی^۱ عملیات فرهنگی است. به‌رغم این اهمیت و ضرورت، متأسفانه این مسئله بین جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان و در مجموع فرهنگ‌پژوهان چندان مطرح نبوده است. نگاهی گذرا به آثار جامعه‌شناسان و فیلسوفان فرهنگ نشان می‌دهد که هستی‌شناسی فرهنگ از مباحث مغفول در میان این گروه از اندیشمندان است. نبود نظری تصریح‌شده و معین از سوی فیلسوفان و فرهنگ‌پژوهان در این مبحث، از بی‌پیشینگی و دیربایی آن حکایت دارد (رشاد، ۱۳۹۱).

هستی‌شناسی فرهنگی، پیرامون هستی‌های موجود در جهان فرهنگی و برخی احوال و احکام کلی آن‌ها بحث می‌کند (جمشیدی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). اهمیت هستی‌شناسی فرهنگی به این دلیل است که فضا و دامنه تحرک مطالعاتی محقق فرهنگی را در جهان فرهنگی روشن می‌کند و نشان می‌دهد که او می‌بایست در کدام لایه وجودی از این جهان، پاسخ پرسش‌های فرهنگی خود را جستجو کند (بلیکی، ۱۳۸۹: ۳۰). یکی از علل سرگردانی در برخی مطالعات و مباحثات فرهنگی، ناشی از همین عدم تعیین محدوده موضوع، هرچند معین بودن دامنه موضوعی، بدون مشخص بودن ساختار هستی‌شناسی موضوع، چندان از سرگردانی و پیچیدگی و نوسان نمی‌کاهد.

بر اساس توضیحات بیان‌شده، محور تمرکز پژوهش^۲ انجام‌شده، نه «فرهنگ» در معنای عام و نه صرفاً حل یک مسئله خرد فرهنگی و ارائه راهکارهایی برای آن، بلکه تأملی در ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی و صورت‌بندی آن است.

پیشینه پژوهش

پایه‌های انجام این پژوهش، مدل‌های معتبر تجربه‌شده در زمینه مرتبط با مسئله است. لذا در پیشینه پژوهش، ناحیه‌بندی جستجو برای احصاء مطالعات مشابه، گزینه‌های مطرح و انتخاب مدل‌های مبنا معرفی می‌گردد. در بخش مبانی نظری نیز مدل‌های مبنا منتخب، تشریح می‌شود.

1. Ontology

2. Topic and focus

ناحیه اول: هستی‌شناسی

هستی‌شناسی مشخصاً شاخه‌ای از علم فلسفه است که به مطالعه ماهیت چستی و ساختار واقعیت می‌پردازد (ژاکوب^۱، ۱۳۸۴: ۱۹۰). هستی‌شناسی در فلسفه، یک شاخه شناخته شده است که آنچه موجود است و آنچه باید فرض شود که وجود دارد را به منظور نائل آمدن به یک توصیف متقاعد کننده از واقعیت مطالعه می‌کند (صنعت‌جو، ۱۳۸۴: ۴۷).

متأسفانه در جست‌وجوی پژوهشگر، هیچ پژوهشی ناظر به هستی‌شناسی عملیات فرهنگی مشاهده نشد. البته در حوزه کسب‌وکار، پایان‌نامه دکترای الکساندر استروالدرا^۲ که در سال ۲۰۰۴ تحت نظارت پروفیسور ایو پیگنیور^۳ با عنوان «هستی‌شناسی مدل کسب‌وکار، پیشنهادی در رویکرد علم طراحی»^۴ انجام گرفته است، پژوهش قابل تأملی است که از مدل‌ها و منابع فراترکیب در این پژوهش است.

ناحیه دوم: مدیریت عملیات

متأسفانه برای «مدیریت عملیات فرهنگی» نیز پژوهش و مدل قابل اعتنایی که مبتنی بر پشتوانه و روش‌های علمی استخراج شده باشد، مشاهده نشد. ولی برای «مدیریت پروژه»، روش‌شناسی‌ها و روش‌هایی نظیر پی‌ام‌باک، پرینس‌دو^۵، اجایل^۶، توسعه سیستم‌های پویا^۷، ناب^۸، ایکس‌پی^۹، اسکرام^{۱۰}، کانبان^{۱۱}، چارچوب کریستال^{۱۲}، توسعه ویژگی‌محور^{۱۳}، تفکر طراحی^{۱۴}، مهندسی ارزش^{۱۵} و شش سیگما^{۱۶} مواردی از این ناحیه است که مطالعه و بررسی گردید.

-
1. Elin, K. Jacob
 2. Osterwalder, Alexander
 3. Yves Pigneur
 4. The Business Model Ontology – A Proposition in a Design Science Approach
 5. Projects IN Controlled Environments 2 (PRINCE2)
 6. Agile
 7. Dynamic Systems Development Method (DSDM)
 8. Lean
 9. Extreme Programming (XP)
 10. Scrum
 11. Kanban
 12. Crystal Framework
 13. Feature-Driven Development (FDD)
 14. Design thinking
 15. Value Engineering
 16. Six Sigma

ناحیه سوم: میان‌رشته‌ای سیستمی

ناحیه سوم، مدل‌های مبتنی بر رویکرد سیستمی را شامل می‌شود. مدل‌هایی نظیر تفکر سخت‌سیستمی^۱، پویایی‌شناسی سیستم‌ها^۲، روش‌شناسی سیستم‌های نرم^۳، روش‌های دیالکتیکی تحقیق^۴، گفتگوهای حلقوی^۵، همپارچگی تیمی^۶، تحلیل سناریو^۷، جست‌وجوی ابتکاری^۸، سایبرنتیک سازمانی^۹، نظریه پیچیدگی^{۱۰}، نگاشت پیامدها^{۱۱}، برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات^{۱۲}، پایش فرایندی تأثیرات^{۱۳}، آشکارسازی و آزمودن مفروضات راهبردی^{۱۴}، ارزیابی حوزه استراتژیک^{۱۵}، برنامه‌ریزی تعاملی^{۱۶}، مدل سی‌دی‌ای^{۱۷}، تمرکز بر راهکار^{۱۸}، مدل سیستم مانا^{۱۹}، نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی^{۲۰}، سیستم‌های ابتکاری انتقادی^{۲۱}، مداخله سیستمی جامع^{۲۲} و عمل انتقادی سیستمی^{۲۳} از جمله مواردی است که در این ناحیه مطالعه و بررسی گردید.

ناحیه چهارم: میان‌رشته‌ای حل مسئله

حل مسئله مانند تفکر سیستمی در شاخه‌ای خاص از علوم محدود نمی‌شود، بلکه تعریف آن به عنوان یک ناحیه میان‌رشته‌ای، دقیق‌تر است. مدل‌های نظیر دیویی^{۲۴}،

1. Hard systems thinking
2. System dynamics (SD)
3. Soft Systems Methodology (SSM)
4. Dialectical approaches to research
5. Circular dialogue
6. Team Syntegrity (TS)
7. Scenario analysis
8. Heuristic Search
9. Organizational cybernetics
10. Complexity theory
11. Outcome mapping
12. Assumption Based Planning (ABP)
13. Process Monitoring of Impact
14. Strategic Assumptions Surfacing and Testing (SAST)
15. Strategic area assessment
16. Interactive planning
17. Containers, Differences, Exchanges (CDE)
18. Solution focus
19. Viable System Model (VSM)
20. Cultural Historical Activity Theory
21. Critical Systems Heuristics (CHS)
22. Total system intervention (TSI)
23. Critical systems practice
24. Dewey

مدل آسبورن- پازنزا^۱، مدل ایساکسن- تری‌فینگر^۲، چرخه دمینگ^۳، تکنیک پولیا^۴، حل مسئله پنج مرحله‌ای^۵، کانوین^۶، نظریه نیوئل و سایمون^۷، مجموعه تریز^۸ (تحلیل تناقض^۹، تحلیل ماده- میدان^{۱۰}، آریز^{۱۱}، تکامل سیستم^{۱۲}، طرح ایده‌آل^{۱۳}، شناخت موقعیت‌های نوآوری^{۱۴}، تحلیل منابع^{۱۵}، ازیت^{۱۶}، یوزیت^{۱۷}) و تکنیک اسکمپر^{۱۸} از جمله مواردی است که در این ناحیه مطالعه گردید.

مرور سوابق دانشی: معرفی مدل‌های مبنا

پیش از معرفی مدل‌های مبنا، به منظور همگرایی و هم‌ترازی برداشت‌ها از مفهوم کلیدی نوشتار، تعریف این پژوهش از عملیات فرهنگی تبیین می‌گردد.

عملیات فرهنگی

در اصطلاح‌شناسی^{۱۹} مدیریت، واژه پروژکت^{۲۰} برای اشاره به کارهای موقتی و واژه آپریشن^{۲۱} برای اشاره به کارهای مستمر به کار برده می‌شود. در برگردان این دو واژه، عموماً واژه «پروژکت» بدون بازگردان، همان «پروژه» و «آپریشن» نیز «عملیات» ترجمه می‌شود. منتهی در اصطلاح‌شناسی فعالان فرهنگی کشور، غالباً از واژه عملیات به عنوان یک اقدام موقتی استفاده می‌شود. به عبارتی، «عملیات» در اصطلاح‌شناسی

1. Osborn & Parnes
2. Isaksen & Treffinger
3. PDCA cycle
4. Polya's Problem Solving Technique
5. The 5 Steps of Problem Solving
6. Cynefin
7. Newell & Simon
8. TRIZ
9. Contradiction analysis
10. Substance – Field Analysis (Vepol Analysis)
11. ARIZ
12. Evolution system
13. Ideal Design
14. Innovation Situation Questionnaire (ISQ)
15. Resources Analysis
16. Advanced Systematic Inventive Thinking (ASIT)
17. Unified Structured Inventive Thinking (USIT)
18. SCAMPER
19. Terminology
20. Project
21. Operation

فعالان فرهنگی کشور معادل «پروژه» در اصطلاح‌شناسی عام مدیریت است. در این نوشتار، برای برگردان «پروژکت» از واژه «عملیات» و برای برگردان «اُپریشن» از واژه «عمل» استفاده می‌شود. همچنین مفهوم «فعالیت فرهنگی» اعم از «عمل فرهنگی» یا «عملیات فرهنگی» لحاظ شده است.

طبق تعریف راهنمای «پیکره دانش مدیریت پروژه»^۱ یا «پی‌ام‌باک»^۲، عملیات تلاشی است موقتی که برای تولید محصول، خدمات یا نتیجه‌ای منحصر به فرد انجام می‌شود. پس از تحلیل صورت‌بندی‌های مختلف، تعریف پیشنهادی این پژوهش برای عملیات فرهنگی چنین است: «مجموعه تلاش‌های آگاهانه، هدف‌مند، نظام‌مند و بازه‌مندی که برای حل مسئله‌ای در مسیر پیشرفت فرهنگی یا پیشرفت یک فرهنگ، یا ناظر به وجوه انسانی و اجتماعی حل هر نوع مسئله‌ای، از طریق خلق و عرضه محصولی مشخص، انجام می‌شود، مشروط بر اینکه در یکی از وجوه مسئله، محصول یا مخاطب، یکتا باشد، عملیات فرهنگی محسوب می‌شود».

این پژوهش برای ارائه ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی بر اساس رویکرد سیستمی تعریف شده است. عملیات فرهنگی نیز طبق تعریف ارائه‌شده، عجین با حل مسئله است. با این وصف، چهار کلیدواژه «هستی‌شناسی»، «مدیریت عملیات»، «حل مسئله» و «رویکرد سیستمی»، به عنوان نواحی جست‌وجو برای احصاء پستوانه‌های نظری پژوهش انتخاب گردید.

معرفی مدل‌های مبنا

همان‌گونه که ذکر شد، در بخش مبانی نظری پژوهش، مدل‌های مبنا برای انجام فراترکیب، به عنوان مبانی نظری پژوهش، به اجمال تشریح می‌شود. با بررسی مدل‌ها، روش‌ها و روش‌شناسی‌های گوناگون، در مجموع، ۱۰ مدل مطابق جدول شماره ۱، برای انجام فراترکیب برگزیده شد. در ادامه این مدل‌ها به اجمال معرفی می‌شود.



جدول ۱. مدل‌های منتخب برای انجام فراترکیب

ردیف	عنوان فارسی مدل	عنوان انگلیسی مدل
۱	روش‌شناسی سیستم‌های نرم	Soft Systems Methodology
۲	نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی	Cultural Historical Activity Theory
۳	نگاشت پیامدها	Outcome mapping
۴	پایش فرایندی تأثیرات	Process Monitoring of Impact
۵	برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات	Assumption Based Planning
۶	ارزیابی حوزه استراتژیک	Strategic Area Assessment
۷	برنامه‌ریزی تعاملی	Interactive planning
۸	هستی‌شناسی کسب‌وکار/ بوم مدل کسب‌وکار	Business Model Canvas / Business Ontology
۹	بوم ناب	Lean Canvas
۱۰	منشور پروژه پی‌ام‌باک	PMBOK project charter

برای توضیح و تشریح این مدل‌ها در این مقاله، به منظور رعایت چارچوب نسبتاً یکسان و محکم، توضیحات ارائه‌شده برای مدل‌های «ارزیابی حوزه استراتژیک»، «برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات»، «پایش فرایندی تأثیرات»، «نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی»، «نگاشت پیامدها» و «روش‌شناسی سیستم‌های نرم» از کتاب «روش‌های کاربردی در تفکر سیستمی»^۱ اثر باب ویلیامز^۲ و ریچارد هاملبرونر، ترجمه عادل آذر و سعید جهانیان انتخاب شده است. برای مدل «برنامه‌ریزی تعاملی» نیز متن توضیحی از کتاب «تفکر سیستمی، کل‌گرایی خلاق برای مدیران»^۳ نوشته مایکل سی جکسون، ترجمه تقی ناصر شریعتی برداشت شده است.

روش‌شناسی سیستم‌های نرم

روش‌شناسی سیستم‌های نرم توسط پیتر چکلند^۴ در اواخر دهه ۱۹۶۰ در دانشگاه لنکستر^۵ انگلستان توسعه یافته است. روش‌شناسی سیستم‌های نرم با اینکه در ابتدا به

1. Systems concepts in action

2. Bob Williams

3. System thinking: creative holism for managers

4. Checkland, P. B.

5. Lancaster

عنوان ابزاری برای حل مسئله در نظر گرفته می‌شود، در ادامه، توسعه یافته و بیشتر به سوی یادگیری و آگاهی‌گرایش پیدا کرده است.

رویکرد سیستم‌های نرم یک روش‌شناسی است. با این حال این رویکرد معمولاً در قالب یک روش هفت مرحله‌ای تشریح می‌شود. رویکرد تثبیت‌شده هفت مرحله‌ای، مفاهیم زیربنایی این روش را به روشن‌ترین حالت بیان می‌کند. پنج مرحله از این مراحل بر موقعیت واقعی تمرکز می‌کند و دو گام دیگر کاملاً به تفکر سیستمی و مفهومی درباره موقعیت وابسته است. موفقیت این رویکرد، بستگی به توانایی در مجزا کردن مراحل تفکر سیستمی از مراحل جهان واقعی دارد.

نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی

«نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی» توسط فیلسوف تاریخ، الکسی لیونتوف^۱ در دانشگاه ایالتی مسکو در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. این رویکرد بر نظریه‌های لیو ویگوتسکی^۲ در مورد شناخت و یادگیری استوار است. ویگوتسکی معتقد بود که یادگیری به صورت یک فرایند اجتماعی در «منطقه تقریبی رشد»^۳ اتفاق می‌افتد.

یک تحقیق مبتنی بر نظریه فعالیت تاریخی فرهنگی متشکل از سه مؤلفه است:

۱. یک مؤلفه سیستمی که به ایجاد معنا از موقعیت‌ها کمک می‌کند.
۲. یک مؤلفه یادگیری که روشی برای آموختن از آن معناها است.
۳. یک مؤلفه توسعه‌ای که امکان‌گسترش و توسعه این معناها به ساحت اقدام و عمل را برقرار می‌کند.

این سه مؤلفه از هفت گزاره پایه‌ای تشکیل می‌شود. پنج گزاره به استقرار مؤلفه‌های سیستمی، یک گزاره مستقیماً به یادگیری و گزاره نهایی به توسعه و رشد مربوط است.

نگاشت پیامدها

«نگاشت پیامدها» رویکردی است برای برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی برنامه‌های تغییر اجتماعی. این رویکرد مجموعه‌ای از ابزارها و راهنمایی‌ها است که تیم‌های پروژه را به واسطه یک فرایند تکرار شونده، به منظور شناسایی تغییر مطلوب و در جهت همکاری برای تحقق آن تغییر، هدایت می‌کند.

1. Alexei Leontiev

2. Lev Vygotsky

۳. Zone of proximal Development (ZPD) عبارت است از فاصله بین سطح رشد واقعی که از طریق حل مسئله به صورت مستقل و سطح رشد بالقوه که از طریق حل مسئله تحت راهنمایی افراد توانا تر تعیین می‌شود.

نگاشت پیامدها در سال ۲۰۰۱ به عنوان پاسخی به ضعف‌ها و انتقادات بر دیگر چارچوب‌های نظارت و ارزیابی به ویژه در حوزه‌هایی که شامل فرایند پیچیده طبیعی است توسعه یافت. در این بسترها معلوم شده است که چارچوب‌های مدیریتی نتیجه‌گرا یا مدیریت بر مبنای اهداف ناموفق هستند و یا فعالیت‌های بیش از حد جزئی‌نگر برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی، خود مانعی بر سر راه پروژه‌ها و برنامه‌ها شده و رویکردهای نوآورانه یادگیری و انعطاف‌پذیری را کند کرده است. نگاشت پیامدها مبتنی بر سه مرحله و ۱۲ گام است.

پایش فرایندی تأثیرات

«پایش فرایندی تأثیرات» روشی برای راهبری مداخله‌ها است. این روش توسط ریچارد هامبلرونر^۱ در سال ۲۰۰۵ به عنوان رویکردی برای نظارت بر برنامه‌های سرمایه‌گذاری ساختاری اتحادیه اروپا توسعه یافت. تجربه نشان می‌دهد که استفاده از شاخص‌ها، صرفاً ارزش محدودی برای «راهبری» دارد؛ زیرا داده‌های هر شاخص یا خیلی دیر به دست می‌آیند که فایده خود را از دست می‌دهد، یا اطلاعات اندکی برای بهبود یک مداخله فراهم می‌کنند؛ بنابراین کنشگران برنامه می‌توانند (و باید) نه در قبال دستیابی عملی به نتایج و تأثیرات، بلکه در برابر کوشش‌ها و عملکرد خود مسئول باشند. پایش فرایندی تأثیرات، تلاشی برای صورت‌بندی این نوع پایش و ارزیابی است.

برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات

«برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات» در جایی مابین برنامه‌ریزی و استراتژی قرار می‌گیرد و دیدگاه هنری مینتزبرگ^۲ مبتنی بر اینکه بیشتر فرایندهای برنامه‌ریزی استراتژیک منجر به برنامه‌های ناجور و استراتژی ضعیف می‌شود را مدنظر قرار داده و برای رفع این معضل برمی‌آید. این روش اعتقاد بر این دارد که برنامه‌ها به دلیل عدم توجه کافی به مفروضات زیربنایی خود شکست می‌خورند.

در روش برنامه‌ریزی مبتنی بر مفروضات، پنج گام وجود دارد:

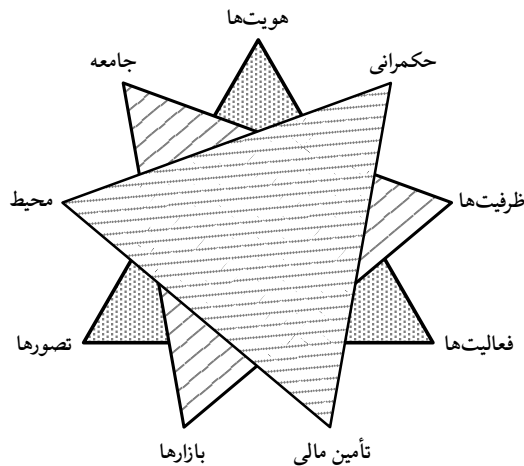
۱. شناسایی مفروضات پراهمیت؛
۲. شناسایی نقاط آسیب‌پذیری مفروضات؛
۳. تعیین علائم راهنما؛
۴. اقدامات سازنده و
۵. تعریف اقدامات تأمینی (حفاظتی).



ارزیابی حوزه استراتژیک

«ارزیابی حوزه استراتژیک» ابزاری برای توسعه محلی و منطقه‌ای، با شناسایی و ترکیب محتمل‌ترین استراتژی‌های ارتقاء نوآوری است. ابزار اصلی مورداستفاده در این روش، قطب‌نمای نوآوری^۱ است. رابرت لوکش^۲ این ابزار را متأثر از شرکت در یک تیم کارشناسی جهت اجرای برنامه انجمن اروپایی در توسعه روستایی و در یک پروژه تحقیقاتی برای ارزیابی پایداری در توسعه منطقه‌ای ایجاد کرد (Schleicher-Tappeser & et al, 1999). قطب‌نمای نوآوری از نه جز یا عنصر ساخته شده است که مطابق شکل ۱ تشکیل یک نه‌وجهی را می‌دهد.

مؤلفه‌های نه‌گانه در سه مثلث خوشه‌بندی می‌شوند و هر مثلث به سه نوع جنبه متفاوت ارجاع می‌دهد. این مؤلفه‌ها و جنبه‌ها آن‌قدر جابجا شده‌اند تا پیکره‌بندی فعلی به‌دست‌آمده و مشخص شده است مناسب‌ترین و درست‌ترین حالت وقتی است که در مشاوره و ارزیابی به کار گرفته می‌شود.



شکل ۱. قطب‌نمای نوآوری

برنامه‌ریزی تعاملی

برنامه‌ریزی تعاملی مشخصاً برای رویارویی با بی‌سامانی‌های ناشی از پیچیدگی، تغییر و تنوع که در دنیای امروز پیش‌اروی مدیران قرار دارد، طراحی شده است. تفکر در عصر ماشین که بر تجزیه و تحلیل، جزء‌نگری، جست‌وجوی روابط علت و معلول و جبرگرایی مبتنی بود، باید با تفکر عصر سیستمی که در پی کل‌نگری و تعمیم بود و می‌کوشید تا روابط میان تولیدکننده و تولید را مورد توجه قرار دهد و آزادی و انتخاب را بپذیرد، تکمیل شود. به نظر ایکاف^۱ (۱۹۸۱)، کسانی که در دنیای سخت‌سیستمی که تأکیدش بر بهینه‌سازی^۲ و عینیت^۳ است کار می‌کنند، بی‌تردید نسبت به موضوعات مهم عصر سیستمی بی‌علاقه‌اند. اصرار بر بهینه‌سازی در دنیای گوناگونی ارزش‌ها و تغییرات سریع، به معنای از دست دادن پیوند با واقعیت است.

سمت‌وسوی فلسفه کلی ایکاف تأییدی است بر آنچه چرچمن^۴ مطرح می‌کرد. از نظر او دیدگاه متداولی که عینیت را ناشی از ساخت مدل‌هایی مستقل از ارزش‌ها می‌داند و صحت و سقم آن‌ها را جنبه‌های محدودی از دنیای واقعی می‌سنجد، منحرف‌کننده است. عینیت را در سیستم‌های اجتماعی تنها از طریق تعامل میان گروه‌ها و افراد دارای ارزش‌های گوناگون می‌توان مورد توجه قرار داد. به چنین عینیتی تنها از طریق علوم سیستم‌ها می‌توان نزدیک شد و نه توسط دانشمندان منفرد. عینیت در سیستم‌های اجتماعی ارزش‌مداره است و نه ارزش‌رها^۵.

سه اصل، بنیان روش‌شناسی ایکاف را تشکیل می‌دهند (Ackoff, 1981 & 1999):

- اولین اصل، مشارکت است.
- اصل دوم، استمرار در بررسی و بازنگری است.
- سومین اصل، کل‌نگری است.

با در نظر داشتن این اصول می‌توان پنج مرحله از روش‌شناسی برنامه‌ریزی تعاملی را طی کرد:

۱. صورت‌بندی بی‌سامانی^۶؛

1. Ackoff
2. Optimization
3. Objectivity
4. Churchman
5. Value full
6. Value free
7. Formatting the mess

۲. برنامه‌ریزی اهداف؛

۳. برنامه‌ریزی ابزار؛

۴. برنامه‌ریزی منابع؛

۵. پیاده‌سازی و پایش.

این مراحل با هم یک فرایند سیستمی را می‌سازند و می‌توانند با هر ترتیبی انجام شوند و هیچ‌کدام از این مراحل جدای از بقیه کامل نخواهد بود.

بوم مدل کسب‌وکار

به منظور شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مدل کسب‌وکار، تحقیقات مختلفی صورت گرفته که از این میان، کامل‌ترین تحقیق، پایان‌نامه دکترای الکساندر استروالدر است. این پژوهش تحت عنوان «هستی‌شناسی مدل کسب‌وکار، پیشنهادی در رویکرد علم طراحی»^۱ در سال ۲۰۰۴ تحت نظارت پروفیسور ایو پیگنیور^۲ با مطالعه روی کلیه نظراتی که قبل از آن در این حوزه ارائه شده، انجام گرفت.

از دیدگاه فرو^۳ (۲۰۰۵)، یکی از محققین حوزه کسب‌وکار، مدل کسب‌وکار استروالدر به این دلیل که مجموعه‌ای از جامع‌ترین و مناسب‌ترین مؤلفه‌های اصلی و اجزاء فرعی کسب‌وکار را تعیین و تعریف کرده است و همچنین به این دلیل که یک طرح کلی از جزئیات روابط بین اجزا کلیدی و اجزاء فرعی مدل کسب‌وکار را فراهم می‌کند، به عنوان مناسب‌ترین هستی‌شناسی کسب‌وکار انتخاب شده است.

مدل مفهومی هستی‌شناسی استروالدر چهار جزء اصلی دارد:

۱. محصول: شرکت در چه کسب‌وکاری فعال است و چه محصولات و پیشنهادهای ارزشی به بازار عرضه می‌کند؟

۲. مشتری: مشتریان هدف شرکت چه کسانی هستند و چگونه روابط محکمی با آنها برقرار می‌شود؟

۳. مدیریت زیرساخت: شرکت چگونه عملیات زیرساختی یا تدارکاتی را انجام می‌دهد و چگونه در قالب سازمانی شبکه‌ای عمل می‌کند؟

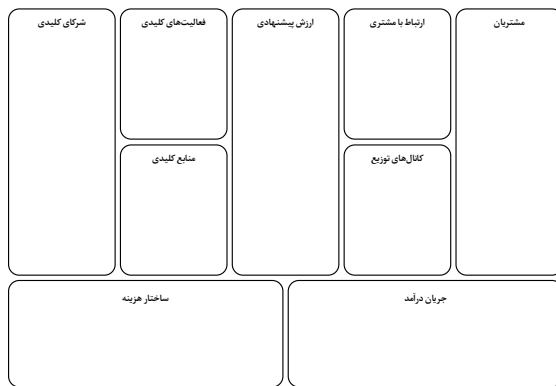
۴. جنبه‌های مالی: مدل درآمدی و ساختار هزینه مدل کسب‌وکار چیست؟
در سال ۲۰۱۰، استروالدر و ایو پیگنیور با کاربردی‌سازی مطالعات هستی‌شناسی

1. The Business Model Ontology – A Proposition in a Design Science Approach

2. Yves Pigneur

3. frew

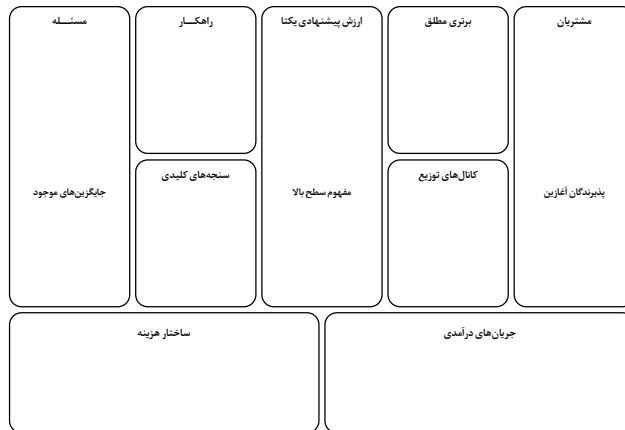
کسب و کار^۱، بوم مدل کسب و کار را در کتابی به نام «خلق مدل کسب و کار»^۲ به عنوان چارچوبی برای برنامه‌ریزی، توسعه و آزمایش مدل‌های کسب و کار در سازمان‌ها معرفی کردند. مؤلفه‌های کسب و کار از یکپارچه‌سازی گسترده منظرهای استراتژی‌های مختلف برگرفته شده است. از این جهت، هر کدام آن‌ها به‌تنهایی جدید نیستند. مطابق شکل ۲ بوم کسب و کار شامل نه بخش مختلف است که هر کدام نشان‌دهنده یکی از عناصر کسب و کار است.



شکل ۲. بوم مدل کسب و کار

بوم ناب

مشکلی که در بوم مدل کسب و کار برای استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان وجود دارد زمان‌بر بودن تهیه آن است. «بوم ناب» به عنوان اقتباسی از «بوم مدل کسب و کار» اولین بار در سال ۲۰۱۰ توسط آش موریئا^۳ ارائه شده است. این بوم در مقایسه با نوشتن یک طرح کسب و کار که غالباً زمان‌بر است، تصویری از ایده تجاری اولیه را به سرعت حاصل می‌کند. مانند بوم مدل کسب و کار، بوم ناب هم مطابق شکل ۳ دارای نه بخش است، با این تفاوت که بوم ناب به‌گونه‌ای تنظیم شده که پاسخگوی نیازهای یک استارت‌آپ ناب باشد.



شکل ۳. بوم ناب

منشور پروژه پی‌ام‌پاک

اجرای هر پروژه در هر ابعادی، نیازمند ارائه اطلاعاتی است که تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را برای مدیران تسهیل کند و به اثبات رابطه منطقی بین پروژه و اهداف و استراتژی‌های کلان کمک کند. طبیعی است که مسئولان ارشد برای صدور تأییدیه اجرای یک پروژه، به ابزاری برای اندازه‌گیری این مناسبات نیاز دارند. منشور پروژه، یک ابزار برای ارزیابی این شاخص‌ها و مفاهیم مهم دیگری در هر پروژه محسوب می‌شود. منشور پروژه، سندی است که دلایل انجام پروژه، الزامات، اهداف و سطوح اختیارات مدیر پروژه^۱ را مشخص و ذی‌نفعان اصلی را شناسایی می‌کند.

راهنمای پی‌ام‌پاک ۶ (۲۰۱۷)، منشور پروژه را «سندی» تعریف می‌کند «که توسط طراح یا حامی پروژه انتشار یافته و به‌طور رسمی موجودیت پروژه را تصویب و اختیار به‌کارگیری منابع سازمانی را در جهت انجام فعالیت‌های پروژه، به مدیر پروژه واگذار می‌کند». راهنمای پی‌ام‌پاک، فهرستی را برای درج در منشور پروژه معرفی می‌کند. این اطلاعات عبارت است از:

- نیازها و الزامات
- نیازهای کسب‌وکار
- جدول زمان‌بندی کلی
- پیش‌فرض‌ها و محدودیت‌ها
- وضعیت کسب‌وکار، شامل بازده سرمایه‌گذاری

این فهرستی استاندارد است که نشان می‌دهد منشور پروژه «بهتر است» از چه اجزایی تشکیل شود؛ اما اگر سندی یک یا چند مورد از موارد فهرست بالا را هم نداشته باشد یا موارد بیشتری در آن قید شده باشد، همچنان می‌تواند به عنوان منشور پذیرفته شود.

روش پژوهش

به عقیده استابروکس^۱ و همکاران (۱۹۹۴)، فراترکیب در مقایسه با مطالعات کیفی اولیه، به مراتب برای تولید نظریه مناسب‌تر است. این پژوهش مبتنی بر رویکرد پژوهشی تحلیل محتوای کیفی با اتخاذ استراتژی تجزیه و ترکیب انجام گردید. در عملیاتی نمودن این استراتژی، برای مرحله گردآوری و گزینش داده‌ها از روش کتابخانه‌ای^۲ و مرور نظام‌مند^۳، برای مرحله تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌ها، از روش فراترکیب^۴، برای اجرای روش فراترکیب، از الگوی هفت مرحله‌ای سندلوسکی^۵ و باروسو^۶، برای طی پیاده‌سازی این الگو از تکنیک کدگذاری^۷ و برای پیاده‌سازی این تکنیک از ابزار نرم‌افزاری مکس کیودی‌ای^۸ استفاده شد.

گزارش انجام پژوهش و یافته‌ها

در این بخش، گزارش انجام پژوهش و یافته‌های آن، به تفکیک گام‌ها گزارش می‌شود:

گام اول: مشخص نمودن سؤالات پژوهش

سؤالات اساسی این پژوهش ناظر به پارامترهای کلیدی موضوعیت‌دار برای این فراترکیب، عبارت است از «اجزاء اصلی و فرعی یا ارکان هستی‌شناسی یک عملیات فرهنگی چیست؟» و «کدام روش‌شناسی‌ها، روش‌ها و تکنیک‌ها، ساختار هستی‌شناسی یک عملیات (ترجیحاً فرهنگی) را معرفی می‌کنند؟».

همچنین، معیارهای درج شده در جدول ۲، برای انتخاب مطالعات تعیین گردید.

1. Estabrooks
2. Library research
3. Systematic review
4. Meta Synthesis
5. Sandelowski
6. Barroso
7. Coding
8. MAXQDA

جدول ۲. معیارهای انتخاب مطالعات برای ورود به فرایند فراترکیب

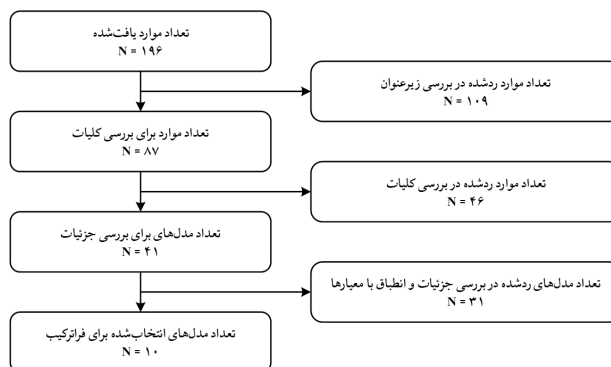
شماره	معیارهای انتخاب مطالعات برای ورود به فرایند فراترکیب و استخراج اطلاعات
۱	معرفی‌کننده ساختار هستی‌شناسی یک پدیده مشخص قابل اتصال به مفاهیم بنیادی عملیات فرهنگی باشد.
۲	در میدان عمل آزمون شده باشد.
۳	در شاخه‌ای از علوم به شکل عملی و مستمر مورد استفاده قرار گرفته باشد.
۴	توسط نخبگان علمی و عملی، معرفی و تأیید شده باشد. (مقبول نخبگان علمی و عملی باشد).
۵	برای موقعیت‌های نرم و انسانی یا قابل انطباق و تطبیق با موقعیت‌های نرم و انسانی باشد.
۶	مبتنی بر نگرش سیستمی یا رویکرد شبکه‌ای باشد یا شاخص‌های کلیدی این نگرش را تأمین کند.

گام دوم: نمونه‌گیری یا شناسایی و بررسی نظام‌مند متون

بر اساس جست‌وجوی اولیه، تعداد ۱۹۶ مورد، اعم از روش‌شناسی، روش، مدل، الگو، تکنیک و ابزار تعریف و اجرای پروژه در نواحی چهارگانه‌ای که در ابتدای بخش ادبیات ذکر گردید، شناسایی شد. این موارد با مطالعه عنوان و زیرعنوان که در حد معرفی اجمالی است، غربالگری شده و بخشی از این موارد برای مطالعه کلیات مدل انتخاب گردید. در نمودار شکل ۴، مراحل غربالگری و تعداد ورودی و خروجی هر بخش درج شده است.

گام سوم: جست‌وجو و انتخاب مطالعات مناسب

در این گام، موارد شناسایی‌شده، طی گام‌های شکل ۴ و بر اساس معیارهای ذکرشده در جدول ۲ غربالگری شد.



شکل ۴. گام‌های گزینش مطالعات فراترکیب

از مجموع مدل‌های بررسی شده، بر اساس معیارهای جدول ۲، ۱۰ مدل منتخب درج شده در جدول ۱، برای ورود به گام استخراج اطلاعات و انجام فرایند تلفیق و ترکیب، انتخاب شد.

گام چهارم: استخراج اطلاعات از مطالعات

در این گام منابع مرتبط با ۱۰ مدل انتخاب شده، به صورت وسیع تر مورد بررسی قرار گرفت. کتاب‌های تشریح و تبیین فرایند تا مقالات و یادداشت‌های نقد و گزارش‌های بهره‌برداری، به دقت مطالعه شد و ۳۲ کد احصاء گردید. پس از چند مرحله غربالگری برای حذف کدهای ضعیف یا تکراری و ادغام و خلاصه‌سازی آن‌ها، در نهایت ۱۲ عدد کد باز که به ۲۸۹ فراز و گزاره از متون منبع نسبت داده شده بود، برای ادامه فرایند باقی ماند. این کدها در جدول ۴ درج شده است. لازم به ذکر است، از آنجاکه این پژوهش در پی کشف ارکان هستی‌شناسی عملیات فرهنگی و کلان مناسبات این ارکان بود، کدها به گونه‌ای انتخاب گردید که وزن آن‌ها در مقیاس ارکان هستی‌شناسی یک پدیده باشد و ساختاری موجز و مستحکم و در عین حال گویا برای ساختار پیشنهادی حاصل گردد.

گام پنجم: تحلیل و ترکیب یافته‌ها

برای خلق یک نظریه یا تولید یک مدل با استفاده از روش فراترکیب، لازم است پس از مرحله کدگذاری باز، این کدها طبقه‌بندی شوند، یا به عبارتی کدگذاری محوری و سپس کدگذاری نظری یا انتخابی انجام شود. در این مرحله، شش کد جدید، برای طبقه‌بندی کدهای باز و در راستای صورت‌بندی ساختار، به عنوان کدهای محوری تعریف گردید.

گام ششم: کنترل کیفیت یا اعتبارسنجی یافته‌ها

روایی کدگذاری این پژوهش با روش روایی محتوای کیفی^۱ با تأیید تناسب ابزار، روش، فرایند و فرآورده باهدف، توسط دو صاحب‌نظر تأمین گردید. برای سنجش پایایی نیز از ضریب سنجش توافقات کاپا استفاده شد. برای این منظور متون توضیحی منتخب در اختیار یک خبره آشنا با موضوع پژوهش و روش قرار گرفت و از ایشان درخواست گردید با نگاه تولید یک مدل تلفیقی، فرایند کدگذاری را انجام دهند. پس از بررسی تطابق‌ها و تغایرها و مذاکرات توجیهی پژوهشگر و کدگذار ارزیاب، تعداد کدهای باز تعریف شده توسط دو کدگذار در جدول ۳ درج و مبنای محاسبه ضریب کاپا قرار گرفت.

جدول ۳. اطلاعات تطبیق مفهومی کدگذاری پژوهشگر و ارزیاب در فراترکیب

		نظر کدگذار (پژوهشگر)		
		بله	خیر	مجموع
نظر بازکدگذار (ارزیاب)	بله	:9A	:2B	۱۱
	خیر	:3C	:0D	۳
	مجموع	۱۲	۲	۱۴

$$\alpha = \frac{A+D}{N} = \frac{9+0}{14} = 0.643$$

توافقات مشاهده شده =

$$\beta = \frac{A+B}{N} \times \frac{A+C}{N} \times \frac{B+D}{N} \times \frac{C+D}{N}$$

$$= \frac{11}{14} \times \frac{12}{14} \times \frac{2}{14} \times \frac{3}{14} = 0.021$$

$$\kappa = \frac{\alpha - \beta}{1 - \beta} = \frac{0.643 - 0.021}{1 - 0.021} = 0.635$$

از آنجا که ضریب کاپای محاسبه شده بیش از ۰/۶ است و در بازه توافق معتبر قرار دارد، پایایی کدگذاری پژوهش تأمین شده است.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

جدول کدهای تعریف شده در فراترکیب و درختواره کدها در ادامه این بخش و تفصیل یافته‌های پژوهش در بخش نتایج پژوهش ارائه شده است. منظور از سطح کد در جدول ۴، نقش کد در صورت‌بندی ساختار است. واقعیت این است که در فرایند کدگذاری نظری یا انتخابی، ممکن است یک کد که از حیث نوع در زمره کدهای باز قرار دارد، در شکل‌گیری مدل بسیار تعیین‌کننده باشد و در سطوح کلان مدل استفاده شود. لذا باز یا محوری بودن یک کد، نشان‌گر اهمیت آن نیست. اینجا به معیار دیگری برای سطح اهمیت و نقش کدها در مدل‌سازی نیاز است. پژوهشگر برای معرفی مدل، سه سطح را برای رتبه کدها برشمرده است. بالاترین سطح، سطح رسته است که طبقه‌بندی کلان کدها را نشان می‌دهد و بعد از آن طبقه‌ای تعریف و اضافه نمی‌شود. به عبارتی، سطح رسته زیرمجموعه دسته‌بندی دیگری قرار نمی‌گیرد. سطح بعدی، سطح پایه است که شکل‌گیری سطح رسته مبتنی بر این سطح است. با این وصف، سطح رسته الزاماً از نوع محوری است ولی کدهای سطح پایه الزاماً محوری

نیست. پس از این دو سطح نیز تا هر لایه‌ای که کدگذاری انجام شده باشد، به عنوان سطح ساده مطرح می‌شود.

جدول کامل کدهای بافتواره

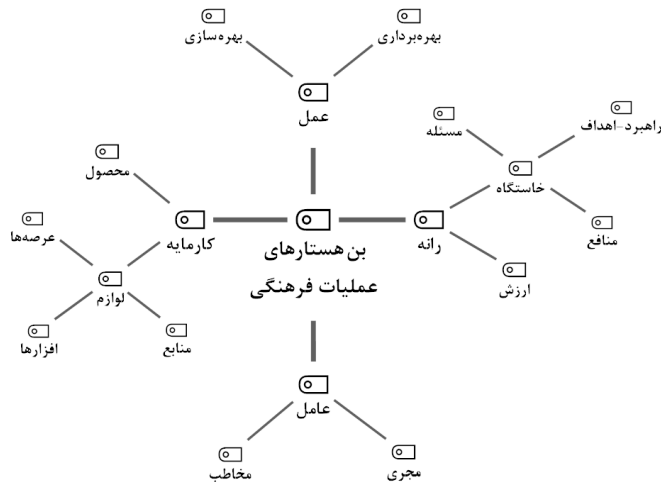
در جدول ۴، کدهای تعریف‌شده در فراترکیب برای ارکان و شئون اصلی عملیات فرهنگی درج شده است.

جدول ۴. کدهای تعریف‌شده در فراترکیب برای ارکان و شئون اصلی عملیات فرهنگی

ردیف	شماره لایه‌بندی	نوع کد	عنوان مفاهیم و مقوله‌ها	سطح کد
۱	۱	صرفاً محوری	رانه	رسته
۲	۱-۱	صرفاً محوری	خاستگاه	پایه
۳	۱-۱-۱	صرفاً باز	مسئله	ساده
۴	۲-۱-۱	صرفاً باز	راهبرد-اهداف	ساده
۵	۳-۱-۱	صرفاً باز	منافع	ساده
۶	۲-۱	صرفاً باز	ارزش	پایه
۷	۲	صرفاً محوری	عامل	رسته
۸	۱-۲	صرفاً باز	مجری	پایه
۹	۲-۲	صرفاً باز	مخاطب	پایه
۱۰	۳	صرفاً محوری	کارمایه	رسته
۱۱	۱-۳	صرفاً محوری	لوازم	پایه
۱۲	۱-۱-۳	صرفاً باز	منابع	ساده
۱۳	۲-۱-۳	صرفاً باز	افزارها	ساده
۱۴	۳-۱-۳	صرفاً باز	عرصه‌ها	ساده
۱۵	۲-۳	صرفاً باز	محصول	پایه
۱۶	۴	صرفاً محوری	عمل	رسته
۱۷	۱-۴	صرفاً باز	بهره‌سازی	پایه
۱۸	۲-۴	صرفاً باز	بهره‌برداری	پایه

درختواره کامل کدهای بافتواره

در شکل ۵ تمام کدهای فراترکیب بافتواره که در جدول ۴ درج شده، در قالب درختواره نمایش داده شده است.



شکل ۵. درختواره بن‌هستارهای عملیات فرهنگی

نتایج پژوهش: ارائه مدل

صورت‌بندی هستی‌شناسی عملیات فرهنگی در استعاره بافتواره

در این نوشتار، برای صورت‌بندی ساختار هستی‌شناسی عملیات فرهنگی، از استعاره‌های نسج و بافت استفاده شده است. بدیهی است مدل‌سازی و به کار بردن استعاره‌ها، به معنای انطباق کامل موقعیت با مدل ترسیم‌شده یا دقت و صحت تام آن نیست. کارکرد مدل‌های تحلیل ساختاری موقعیت، ترسیم شکل ساده‌ای از موقعیت است که فهم و درک آن موقعیت و موجودیت‌ها و مناسبات آن را روان‌تر و ساده‌تر کند. لذا آنچه در مدل‌های شماتیک موقعیت مهم است، مفیدیت مدل و استعاره‌های به کار گرفته در آن، برای احصای موجودیت‌ها و مناسبات موقعیت و احیاناً توضیح کلان‌روندهای آن است. هر حرکت انسانی شامل حداقل پنج وجه و لایه است: وجه انگیزه‌بخش، محرک و پیشران؛ وجه انسانی که حرکت را محقق می‌کند؛ وجه منابع و امکانات لازم؛ وجه

اقدامات و فعالیت‌ها و وجه پایانی و خاتمه‌بخش. از آنجاکه در این مدل از استعاره بافت استفاده شده است، برای پیش‌عنوان این وجوه از واژه «رشته» که در توصیف تاروپود به کار می‌رود، استفاده می‌شود. با این وصف، پنج رشته اصلی هر حرکت عبارت است از:

۱. رشته رانه^۱، ناظر به محرک‌ها و پیشران‌ها؛
۲. رشته عامل، ناظر به وجه انسانی اجرا؛
۳. رشته کارمایه، ناظر به لوازم و اسباب؛
۴. رشته عمل، ناظر به اقدامات و فعالیت‌ها؛
۵. رشته پایانه، ناظر به اختتام و پایان‌بندی.

بر مبنای این نگاه، ساختار عملیات فرهنگی شامل پنج وجه اصلی است. از آنجاکه در این رویکرد، ملاک تفکیک و تقسیم‌بندی ارکان حرکت و عملیات، ساحات آن است، عنوان «ساحت‌مدار» برای آن برگزیده شده است.

از سویی، تحقق کامل عملیات فرهنگی نیازمند دو حرکت مکمل است: حرکت در جانب افاده^۲ یا مجری و حرکت در جانب استفاده یا مخاطب. انتظار می‌رود جمع این دو حرکت، به حل مسئله و تحقق اهداف و منافع بیانجامد. در این نگاه، با تقسیم‌بندی ارکان عملیات در دو دسته مبدآگون و مقصدگون، شاکله اصلی مدل ساختاردهی می‌شود. از آنجاکه در این نگاه، ساختار عملیات فرهنگی دارای دو جانب اصلی افاده و استفاده است، عنوان «جانب‌مدار» برای آن انتخاب گردید.

ترجمه پنج رشته ذکرشده برای جانب افاده عبارت است: خاستگاه، مجری، لوازم، بهره‌سازی و تحویل - تحقق. مجری عملیات با انگیزه حل مسئله و برای تحقق اهداف متناظر، عملیات را با استفاده از لوازم اجرا می‌کند و با تحویل محصول به مخاطب یا تحقق هدف، حرکت جانب افاده را به پایان می‌رساند. پنج رشته جانب استفاده نیز عبارت است از: ارزش، مخاطب، محصول، بهره‌برداری و مصرف - تأمین. مخاطب عملیات در شأن عامل انسانی جانب استفاده، با انگیزه دریافت ارزش و رفع نیاز خود، محصول عملیات را مانند کارمایه حرکت، شناسایی، تهیه و مصرف می‌کند و زنجیره حرکت جانب استفاده را با مصرف محصول یا تأمین ارزش مدنظر به پایان می‌برد.

ترکیب دو نگاه ذکرشده برای ساخت مدل، ممکن و بلکه به صواب نزدیک‌تر است.

۱. رانه یا ساق در روانشناسی مطرح است و به شرایطی درونی گفته می‌شود که رفتار را فعال می‌کند و به آن جهت می‌دهد. گاهی از انگیزه به جای رانه استفاده می‌شود.

۲. به معنای فایده‌سازی، فایده‌رسانی، بهره‌دهی، سودرسانی.

در این نگاه ترکیبی، پنج ساحت اصلی ذکر شده در نگاه اول در دو جانب مطرح شده برای نگاه دوم ضرب می‌شود؛ بنابراین، برای هر دو حرکت جانب «افاده» و «استفاده»، پنج ساحت «رانه»، «عامل»، «کارمایه»، «عمل»، «کارمایه»، «عمل» و «پایانه» تعریف می‌شود. همانگونه که در شکل ۶ مشخص است، آرایه‌های ماتریس نهایی، حاصل ضرب ماتریس وجوه ساحت‌مدار در ماتریس وجوه جانب‌مدار است.

$$\begin{matrix} \text{ماتریس نقاط وجوه ساحت‌مدار و جانب‌مدار} & & \text{ماتریس ساحت‌مدار} \\ \left(\begin{array}{cc} \text{ارزش} & \text{خاستگاه} \\ \text{مخاطب} & \text{مجری} \\ \text{محصول} & \text{لوازم} \\ \text{بهره‌برداری} & \text{بهره‌سازی} \\ \text{مصرف-تأمین} & \text{تحویل-تحقق} \end{array} \right) & \otimes & \left(\begin{array}{c} \text{رانه} \\ \text{عامل} \\ \text{کارمایه} \\ \text{عمل} \\ \text{پایانه} \end{array} \right) \\ & & \text{ماتریس جانب‌مدار} \\ & & \left(\begin{array}{cc} \text{افاده} & \text{استفاده} \end{array} \right) \end{matrix}$$

شکل ۶. ضرب ماتریس وجوه ساحت‌مدار در ماتریس وجوه جانب‌مدار

در جدول ۵ نیز آرایه‌های تقاطع دو نگاه ساحت‌مدار و جانب‌مدار درج شده است.

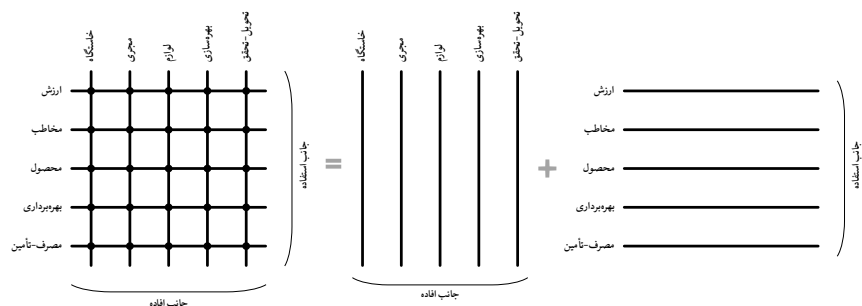
جدول ۵. جدول آرایه‌های تقاطع دو نگاه ساحت‌مدار و جانب‌مدار

		وجوه ساحت‌مدار				
		پایانه	عمل	کارمایه	عامل	رانه
وجوه جانب‌مدار	افاده	تحویل-تحقق	بهره‌سازی	لوازم	مجری	خاستگاه
	استفاده	مصرف-تأمین	بهره‌برداری	محصول	مخاطب	ارزش

همان‌گونه که ذکر شد، عملیات فرهنگی صرفاً با حرکت در جانب افاده به فرجام نمی‌رسد، بلکه با حرکت جانب استفاده کامل می‌شود. حرکت سمت مجری یا جانب افاده، هرچند لازم است ولی کافی نیست. اساساً تا وقتی مخاطب به میدان کنشگری نیاید، عملیات فرهنگی پیش نمی‌رود و به نتیجه نزدیک نمی‌شود. برخلاف بسیاری از دیگر انواع عملیات، در عملیات فرهنگی، کنشگری مخاطب تا سرحد خرید یا دریافت محصول، کافی نیست؛ بلکه ضرورتاً باید تا مصرف محصول ادامه یابد. لذا شرط

اثرمندی کنشگری مخاطب آن است که به مصرف محصول بیانجامد. آنچه مجری در افاده انجام می‌دهد نیز با تولید محصول پایان نمی‌یابد، بلکه طی یک مسیر کامل شامل تولید محصول تا معرفی، فروش و تحویل آن است. به عبارتی، بهره‌رسانی در بهره‌سازی مستقر است.

به هر تقدیر، عملیات فرهنگی کامل، مانند تئیدن رشته‌تارهای افاده در رشته‌پودهای استفاده است؛ و درنهایت، آنچه حاصل می‌شود، عملیات فرهنگی به‌مثابه بافته‌ای منسجم است. شکل ۷، بافتواره هستی‌شناسی عملیات فرهنگی که حاصل ترکیب ساحات حرکت در دو جانب افاده و استفاده است را نشان می‌دهد.

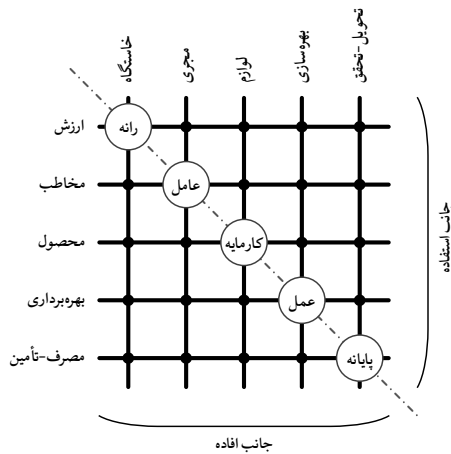


شکل ۷. بافتواره هستی‌شناسی عملیات فرهنگی

بیان این بافتواره مبتنی بر مختصات بیان‌شده برای فراترکیب و جدول ۴، با اشاره به کدهای رسته و پایه انجام می‌شود. برای صورت‌بندی بافتواره عملیات فرهنگی، پنج کد رسته و ۱۰ کد پایه تعریف شده است که از این ۱۰ کد پایه، هشت کد، غیرتکراری است. این پنج رسته و ۱۰ پایه متناظر آن، مطابق شکل ۸ عبارت است از:

- رسته «رانه» شامل پایه‌های «خاستگاه» و «ارزش»
- رسته «عامل» شامل پایه‌های «مجری» و «مخاطب»
- رسته «کارمایه» شامل پایه‌های «لوازم» و «محصول»
- رسته «عمل» شامل پایه‌های «بهره‌سازی» و «بهره‌برداری»
- رسته «پایانه» شامل پایه‌های «تحویل-تحقق» و «مصرف-تأمین»

در شکل ۸، تقاطع پنج رسته ساحت‌مدار مبتنی بر دو رسته جانب‌مدار نشان داده شده است. واضح است که قطر یا محور تقارن این شبکه ماتریسی، باید رسته‌های ساحت‌مدار باشد.



شکل ۸. تقاطع پنج رسته ساحت مدار مبتنی بر دو رسته جانب مدار

تحلیل محدودیت صورت‌بندی مدل

محدودیت روش فراترکیب در عدم امکان انتساب یک مفهوم به بیش از یک مقوله، پژوهشگر را با دو چالش مواجه نمود. اول اینکه به صورت مصداقی، امکان تعریف «تحویل محصول» که یکی از مفاهیم ذیل «بهره‌سازی» در جانب افاده است، در ذیل «پایانه» جانب افاده وجود نداشت. همچنین تعریف «مصرف محصول» که یکی از مفاهیم ذیل «بهره‌برداری» است، در ذیل «پایانه» جانب استفاده مجاز نبود. دوم، تعریف رسته‌های ماتریسی و متقاطع در فرایند کدگذاری فراترکیب ممکن نیست. بدیهی است نرم‌افزارهای تحلیل مضمون نیز از این نوع مدل‌سازی و نظریه‌پردازی پشتیبانی نمی‌کند.

به همین علت، مشخصاً برای رفع این موانع در این پژوهش، رسته «پایانه» در مقوله‌بندی فراترکیب وارد نگردید تا مشکل انتساب یک مفهوم به دو مقوله پیش نیاید. همچنین برای رهایی از بن‌بست صورت‌بندی ماتریسی، به اجبار یکی از معیارها برای طبقه‌بندی رسته‌ها انتخاب گردید. مطابق آنچه در جدول ۴ درج شده است، نگاه ساحت‌مدار مبنای کدگذاری نهایی و تعریف رسته‌ها قرار گرفت.

خوشبختانه، از آنجا که محدودیت‌های ذکر شده، تعریف بن‌هستارها و ارکان اصلی ساختار عملیات فرهنگی را محدود نمی‌کرد، امکان صورت‌بندی مدنظر با تکیه بر هشت کد پایه استخراج شده و زیرمجموعه‌های آن‌ها فراهم بود. لذا چهار کد رسته و

هشت کد پایه و زیرمجموعه آن‌ها، برای صورت‌بندی نهایی مورد استفاده قرار گرفت. با این وصف، کارکرد اصلی فراترکیب در این پژوهش، استخراج کدهای کلیدی و بن‌هستارها از بطن مطالعات و مدل‌های منتخب بود. سپس، صورت‌بندی ساختار، بر اساس این کدها در بستری فارغ از محدودیت‌های فراترکیب انجام شد.

جدول شرح مختصر بافتواره هستی‌شناسی عملیات فرهنگی

در جدول زیر، تلخیص شرح عناصر اصلی بافتواره درج شده است.

جدول ۶. شرح مختصر عناصر اصلی بافتواره هستی‌شناسی عملیات فرهنگی

ردیف	عناوین بافتواره	شرح
۱	رانه	رانه هر آن چیزی است که فرد را از ماندن در موقعیت فعلی می‌راند یا به سمت نقطه مطلوب می‌کشاند. در این بافتواره، این مقوله برای اشاره به خاستگاه حرکت مجری عملیات و ریشه اقبال مخاطب به محصول، استفاده شده است.
۲	خاستگاه	خاستگاه، محرک مبدأ انسانی یا مجری، برای حرکت است. خاستگاه، ناظر به عدم مطلوبیت ماندن در موقعیت آغازین و مطلوبیت رسیدن به نقطه مطلوب است.
۳	مسئله	مسئله، بنیادی‌ترین خاستگاه عملیات است. عملیاتی که ناظر به مسئله مشخص و معینی نباشد، موجه نیست و به اقدام بی‌لانی و صرفاً گزارشی نزدیک‌تر است.
۴	راهبرد-اهداف	راهبرد را می‌توان شبکه‌ای منسجم از اهداف منتشر در موقعیت مسئله دانست که مسیر تحقق هدف اصلی و نظام و کیفیت حرکت در این مسیر را نشان می‌دهد. اهداف عملیات نیز منتخبی از اجزاء شبکه اهداف منتشر یا راهبرد است. لذا اهداف و راهبرد هم‌جنس است و از همین رو در یک سلول قرار داده شده است.
۵	منافع	منافع، هر ستانده‌ای فراتر از هدف عملیات است که امکان و احتمال دستیابی به آن وجود داشته باشد. یکی از رایج‌ترین منافع، منفعت اقتصادی است. منفعت اقتصادی بر پایه تحلیل جریان اقتصادی عملیات به دست می‌آید و با کسر هزینه‌ها از درآمدها محاسبه می‌شود.
۶	ارزش	ارزش، ناظر به محصول تعریف می‌شود و به معنای ظرفیت محصول در تأمین نیازها، انتظارات و مطلوبیت‌های مخاطب یا مصرف‌کننده است؛ بنابراین، خلق ارزش برای مخاطب، معادل تولید و عرضه محصولی است که به واسطه مصرف آن، نیازی از نیازهای او برآورده شود و برای مخاطب نوعی مطلوبیت و رضایت ایجاد کند. کارکرد ارزش، رغبت‌آفرینی برای مخاطب در راستای دریافت و مصرف محصول است.
۷	عامل	منظور از عامل در این مدل، اراده‌های انسانی متعین و مجسمی است که آگاهانه برای تحقق هدفی مشخص، به تولید و عرضه محصول عملیات یا مصرف آن می‌پردازند.

ردیف	عناوین بافتواره	شرح
۸	مجری	مجری، دامنه‌ای از مالک موقعیت، کارفرما، صاحبان مسئله، چاره‌گر و حامی، کنش‌ساز، مدیر عملیات تاکشنگر، در هر سطح و شأنی را شامل می‌شود، مشروط بر اینکه واجد خاستگاه مشترک عمل و آگاهی متناظر، خودانگیختگی و التزام درونی به انجام عملیات باشد.
۹	مخاطب	مخاطب عنصری است که محصول را آگاهانه و هدفمند، برای رفع نیاز یا دریافت ارزشی مشخص مصرف می‌کند.
۱۰	کارمایه‌ها	بن‌مایه‌هایی که عامل با استفاده از آن‌ها، عمل و حرکت را محقق می‌کند.
۱۱	لوازم	لوازم، کارمایه حرکت و انجام عمل در جانب افاده است.
۱۲	منابع	منظور از منابع هر آن چیزی است که در فرایند اجرای عملیات و تولید محصول، مستقیم یا غیرمستقیم تبدیل می‌شود. لذا اگر کارکرد یک شیء در فرایند عملیات، تبدیل آن باشد، از منابع عملیات محسوب می‌شود.
۱۳	افزارها	ملاک تفکیک منابع از افزارها، تبدیل‌شوندگی است. منابع تبدیل می‌شوند و افزارها به کار گرفته می‌شوند. افزارها به سه دسته تقسیم می‌شود: مغزافزارها، نرم‌افزارها و سخت‌افزارها.
۱۴	عرصه‌ها	مراد از عرصه‌ها، میدان‌های حرکت و عمل در جانب افاده است. عرصه‌ها ناظر به چهار حوزه عمل اصلی، برگرفته از زنجیره محصول، عبارت است از: عرصه تولید، عرصه معرفی، عرصه فروش و عرصه تحویل.
۱۵	محصول	محصول یا خروجی عملیات، آن چیزی است که تأمین ارزش برای مخاطب، وابسته به دریافت و مصرف آن است. محصول، بن‌مایه حرکت و انجام عمل در سمت مخاطب است. کارکرد محصول، امکان‌آفرینی محصول‌ورزی برای مخاطب است.
۱۶	عمل	عمل، جوهره عملیات فرهنگی و به معنای تلاش‌هایی است که برای تحقق اهداف مدنظر در جانب افاده یا استفاده، انجام می‌شود.
۱۷	بهره‌سازی	بهره‌سازی، عمل جانب افاده است و برگرفته از زنجیره محصول، مشتمل است بر: تولید، معرفی، فروش و تحویل محصول به مخاطب.
۱۸	بهره‌برداری	بهره‌برداری عمل جانب استفاده است و متناظر با شئون بهره‌سازی، عبارت است از: شناخت، خرید، دریافت و مصرف محصول.
۱۹	پایانه	پایانه، مقطع توقف حرکت یا قطع عمل است. پایانه مشخص می‌کند با تحقق و تأمین کدام شرط، حرکت متوقف می‌شود و پایان می‌یابد.
۲۰	تحویل-تحقق	یکی از پایانه‌های حرکت در جانب افاده، حل مسئله و تحقق هدف و معیار دیگر، تحویل محصول به مخاطب است.
۲۱	مصرف-تأمین	یکی از پایانه‌های حرکت در جانب استفاده، مصرف محصول و معیار دیگر، لغو نیاز یا تأمین ارزش مدنظر مخاطب پیش از مصرف محصول است.

منابع و مأخذ

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). استراتژی‌های پژوهش اجتماعی. ترجمه هاشم آقابلیگ پوری، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- جکسون، مایکل سی (۱۳۹۵). تفکر سیستمی، کل‌گرایی خلاق برای مدیران. ترجمه تقی ناصر شریعتی. تهران: نشر سمت.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۱). هستی‌شناسی فرهنگی «آیت‌الله مرتضی مطهری». نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۲(۱). DOI: 20.1001.1.25385240.1391.2.1.6.1
- رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۱). مجموعه دروس فلسفه علوم، فلسفه فرهنگ، هستی‌شناسی فرهنگ. تهران: مدرسه فقاقت. از: https://eshia.ir/feqh/archive/text/rashad/falsafeh_farhang/90/910511
- ژاکوب، الین ک. (۱۳۸۴). هستی‌شناسی‌ها و وب معنایی. ترجمه فاطمه شیخ شعاعی، مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۱۶(۴)، ۱۸۹-۱۹۴.
- سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. (۱۳۹۷).
- شرکت اکسلوس (۱۳۹۹). مدیریت پروژه‌های موفق با پرنس ۲. ترجمه سیامک حاجی‌یخچالی و علی مقدسی بردر، تهران: نشر آدینه.
- صنعت‌جو، اعظم (۱۳۹۱). عملکرد هستی‌شناسی‌ها در نظام‌های بازیابی اطلاعات. ماهنامه کتاب ماه کلیات، ۱۶(۲). ۴۳-۴۷.
- کاتلر، فیلیپ و آرمسترانگ، گری (۱۳۹۳). اصول بازاریابی. ترجمه فروزنده، بهمن. تهران: ادبستان.
- کرایب، یان (۱۳۸۶). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر آگه.
- موسسه مدیریت پروژه پی‌ام‌آی. (۱۳۹۸). راهنمای پیکره دانش مدیریت پروژه (ویرایش ششم). ترجمه مهدی ابراهیمی و علی بیاتی و محمدرضا صمیمی، تهران: آریانا قلم.
- ویلیامز، باب و هاملبرونر، ریچارد. (۱۳۹۳). روش‌های کاربردی در تفکر سیستمی. ترجمه عادل آذر و سعید جهانیان، تهران: نشر صفار.

Ackoff, R. L. (2001). *A brief guide to interactive planning and idealized design*.

AXELOS Limited. (2017). *Managing Successful Projects with PRINCE2*. Translated by Hajiyakhchali, S., & Moghdisi, A. (2020) Tehran: Adineh.

Barroso, J., Gollop, C. J., Sandelowski, M., M eynell, J., Pearce, P. F., & Collins, L. J. (2003). The challenges of searching for and retrieving qualitative studies. *Western journal of nursing research*, 25(2), 153-178. DOI:10.1177/0193945902250034

Blaikie, N. (1993). *Approaches to social enquiry*. Translated by Aghabigpuri, H. (2010). Tehran: Sociologists Publications.

- Checkland, P. (1999). *Systems Thinking, Systems Practice: Includes a 30-Year Retrospective*. New York: Wiley.
- Checkland, P., & Poulter, J. (2006). *Learning for Action: A Short Definitive Account of Soft Systems Methodology and Its Use for Practitioners, Teachers and Students*. New York: Wiley.
- Checkland, P., & Scholes, J. (1990). *Soft Systems Methodology in Action*. New York: Wiley.
- Churchman, C.W. (1968). *The systems approach*. New York: Delacorte Press.
- Craib, I. (1997). *Classical social theory*. Translated by Mosamaparast, Sh. (2007). Tehran: Agah.
- Daniels, H. (2004). Cultural historical activity theory and professional learning. *International Journal of Disability*, 51(2). 185-200. DOI: 10.1080/10349120410001687391
- Document of Iranian Islamic model of progress. (2018). [In Persian]
- Eisape, Davis. (2019). The Platform Business Model Canvas a Proposition in a Design Science Approach. (2019). *American Journal of Management Science and Engineering*. 4(6). 91. DOI: 10.11648/j.ajmse.20190406.12
- Estabrooks, C. A., Field, P. A., & Morse, J. M. (1994). Aggregating Qualitative Findings: An Approach to Theory Development. *Qualitative Health Research*. 4(4). 503-511. DOI: 10.1177/10497323940040041
- Flacke, J., Shrestha R., & Aguilar, R. (2020). Strengthening Participation Using Interactive Planning Support Systems: A Systematic Review. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 9(1). 49. DOI: 10.3390/ijgi9010049.
- Foot, K.N. (2013). Cultural-Historical Activity Theory: Exploring a Theory to Inform Practice and Research. *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 24(3). 329-347. DOI: 10.1080/10911359.2013.831011
- Giannaris, P. (2011). *Implementation Of Interactive Planning*. Master of Science Thesis. The University of Pennsylvania.
- Grimalt-Álvaro, C. & Ametller, J. (2021). A Cultural-Historical Activity Theory Approach for the Design of a Qualitative Methodology in Science Educational Research. *International Journal of Qualitative Methods*, Volume (20). DOI: 10.1177/16094069211060664.
- Iman, M.T. (2012). *Philosophy of human reserch methods*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
- Jackson, M. (2003). *Systems thinking: creative holism for managers*. Translated by Shariati, T.N. (2016). Tehran: Samt.

- Jackson, M. C. (1999). Towards Coherent Pluralism in Management Science. *The Journal of the Operational Research Society*, 50(1), 12–22. DOI: 10.2307/3010384
- Jackson, M. C. (2003). *Systems Thinking: Creative holism for managers*. New York: Wiley.
- Jackson, M. C., & Keys, P. (1984). Towards a System of Systems Methodologies. *The Journal of the Operational Research Society*, 35(6), 473–486. DOI: 10.2307/2581795
- Jackson, N., & Carter, P. (1991). *In Defence of Paradigm Incommensurability*. *Organization Studies*, 12(1), 109-127. DOI: 10.1177/017084069101200107
- Jacob, E. K. (2005). *Ontologies and the Semantic Web*. *Bulletin of the American Society for Information Science and Technology*, 29(4), 19-22. DOI: 10.1002/bult.283.
- Translated by Sheikh Shuai, F. (2005). *Library and Information Organization Studies*, 16(4), 189-194.
- Jamshidi, M. (2012). Cultural ontology of “Ayatollah Morteza Motahari”. *Social theories of Muslim thinkers*, 2(1). DOI: 20.1001.1.25385240.1391.2.1.6.1 [In Persian]
- Kotler, P., & Armstrong, G. (2013). *Principles of Marketing*. Translated by Farozandeh, B. (2014). Tehran: Adebstan.
- Landa-Avila, I. C., Escobar-Tello, C., Thomas, J. G., & Cain, R. (2022). *Multiple outcome interactions in healthcare systems: a participatory outcome mapping approach*. *Ergonomics*, 65(3), 362-383. DOI: 10.1080/00140139.2021.1961018
- Lo, Shih-Hui., & Liu, Cheng-Da. (2021). Furthering systems theory towards social theory by revisiting critical systems thinking: connecting problem-solving and theory-building. *Kybernetes: The International Journal of Systems & Cybernetics*, 52(1), 182-206. DOI: 10.1108/k-04-2021-0325
- Maurya, A. (2012). *Running Lean: Iterate from Plan A to a Plan That Works*. California: O'Reilly Media.
- Osterwalder, A. (2004). *The Business Model Ontology-A Proposition in a Design Science Approach*. PhD Thesis. University of Lausanne, Switzerland.
- Osterwalder, A., & Pigneur, Yves. (2010). *Business Model Generation: A Handbook for Visionaries, Game Changers, and Challengers*. New York: Wiley.
- Project Management Institute. (2017). *Guide to the Project Management Body of Knowledge (PMBOK® Guide)–Sixth Edition*. Pennsylvania: Project Management Institute.
- Project Management Institute. (2017). *Guide to the Project Management Body of Knowledge (PMBOK® Guide)–Sixth Edition*. Translated by Ebrahimi, M., Bayati, A., & Samimi, M. R. (2019) Tehran: Aryanaghalam.

- Rashad, A.A. (2012). *Collection of courses on philosophy of science, philosophy of culture, ontology of culture*. Tehran: Jurisprudence School. https://eshia.ir/feqh/archive/text/rashad/falsafeh_farhang/90/910511 [In Persian]
- Roth, W., Radford, L., & LaCroix, L. (2012). *Working With Cultural-Historical Activity Theory. Qualitative Computing: Diverse Worlds and Research Practices*. 13(2). DOI: 10.17169/fqs-13.2.1814
- Sanatjo, A. (2012). The performance of ontologies in information retrieval systems. *Monthly Book of the Month (General)*, 16(2). 43-47
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. New York: springer.
- Williams, B., & Hummelbrunner, B. (2010). *Systems concepts in action: A practitioner's toolkit*. Translated by Azar, A., & Jahanian, S. (2014). Tehran: Saffar.